



ماهیت تهدید نرم، ابعاد و ویژگی‌ها

سید وحید عقلی*
فرحناز مصطفوی**

چکیده

هرچند نرم‌افزارگرایی یکی از ابزارهای تأمین بهتر و بیشتر منافع ملی کشورها تلقی می‌شود، ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد استفاده از قدرت نرم توسط دولت‌های بزرگ همواره تحت تأثیر ملاحظات راهبردی امنیتی قرار داشته است، در حقیقت یکی از وجوه ممیزه دنیای امروز از دنیای پیشین افزون‌اهمیتی قدرت نرم کشورها و توانایی آنان در ایجاد تغییرات ژرف، تدریجی و نامحسوس در نظام باورها، سبک زندگی، مواضع سیاسی و نگرش‌ها و ترجیحات اجتماعی مخاطبان آماج، با اعمال تهدیدات نرم است. منظور از تهدیدات نرم، طیف وسیعی از کنش‌ها و اقدامات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که کشورهای برخوردار از فناوری ارتباطی برتر، از آن‌ها برای تحمیل غیرمستقیم اراده خویش بر دیگران استفاده می‌نمایند. هدف اصلی این مقاله بررسی مفهوم ابعاد و ویژگی‌های تهدید نرم و رویکردهای نرم‌افزارانه در رهیافت‌ها و نظریه‌ها است. در این مقاله سعی شده به منظور درکی اساسی از مقوله تهدید و تهدید نرم، منابع و سطوح مختلف آن را معرفی و در نهایت به کارویژه‌های تهدید نرم در این سطوح اشاره شود.

کلید واژه‌ها

تهدید، تهدید نرم، قدرت نرم، اشاعه فرهنگی، فرهنگ‌پذیری.

*. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی

** . دانشجوی دکتری تخصصی علوم ارتباطات اجتماعی - واحد علوم و تحقیقات مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه:

تهدید، عنصر یا وضعیتی است که ارزش‌های حیاتی سه‌گانه. الف. تمامیت ارضی؛ ب. ایده و الگوهای رفتاری؛ ج. حاکمیت سیاسی. را به خطر می‌اندازد. بنابراین می‌توان گفت، ساده‌ترین تعریف از تهدید، فقدان مفهوم دیگر، یعنی امنیت است، این وضعیت با به خطر افتادن ارزش‌ها و منافع حیاتی یک کشور به وجود می‌آید. لکن مطالعات امنیتی و تهدیدشناسی هم‌زمان با تحول جوامع، توسعه و تغییر یافته و در مفاهیم امنیت، قدرت و تهدید تحول ایجاد شده است. امنیت ملی و تهدیدات آن، مفهوم مبهم، نسبی و توسعه نیافته است به این معنی که تعریف از امنیت ملی و تهدیدات آن به پیش‌فرض‌های تعریف‌کننده بستگی دارد و به عبارتی زمان‌مند و مکان‌مند است، در حقیقت رابطه بین امنیت، و تهدیدات رابطه‌ای قراردادی است که مصداق خود را از درون گفتمان‌های گوناگون می‌جوید، با وجود این تفاسیر بر ویژگی‌های زیر می‌توان تأکید کرد.

۱. نسبی بودن: امنیت و تهدید، مفاهیمی نسبی و تابع زمان و مکان هستند. هیچ کشوری نمی‌تواند به امنیت مطلق دست یابد و یا فاقد هیچ‌گونه قدرت ملی در برابر تهدیدات باشد، چون کشورها براساس افزایش قدرت ملی خود، به دنبال رقابت، کاهش تهدیدات و افزایش امنیت ملی هستند. نتیجه این رقابت، ناامنی برای دیگران است. از طرفی معمولاً براساس دوره‌های مختلف، نگرش‌های مختلف نسبت به امنیت و تهدید وجود دارد و در نهایت از جهت ماهیت، تهدیدات کشورها وضعیت یکسانی ندارند، ممکن است کشوری امنیت داخلی کافی داشته باشد ولی تهدیدات خارجی آن جدی باشد یا این که از لحاظ نظامی از وضعیت مناسبی برخوردار باشد، لکن ارزش‌های فرهنگی و الگوهای رفتار سیاسی آن کشور در معرض خطر و شکست قرار گیرد.^(۱)

۲. ذهنی بودن: تهدید از زمان شکل‌گیری تا تأثیرگذاری آن دارای مراحل است که ممکن است این مراحل طولانی یا کوتاه باشد، تهدیدات ابتدا فرایندی ذهنی است که در فرایند زمانی به وقوع می‌پیوندد. باید انگیزه‌ها و بسترهای تهدید شناسایی شود که معمولاً با برآورد تهدیدات، سناریوهایی برای مقابله با آن، توسط کشورها طراحی می‌شود، برآورد شناخت نیت و اهداف دشمن، ابزار و روش‌ها، آسیب‌ها و فرصت‌ها و... فرایندهای ذهنی است که براساس آن سیاست دفاعی کشورها تدوین می‌گردد.^(۲)

تعریف واژه تهدید نرم :

فازیو تهدید نرم را نوعی «تلاش برنامه‌ریزی شده برای استفاده از ابزارها و روش‌های تبلیغی، رسانه‌ای سیاسی و روان‌شناختی برای تأثیر نهادن بر حکومت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای خارجی به منظور تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای آنان» می‌داند.^(۳) جوزف نای تهدید نرم را «استفاده یک کشور از قدرت نرم برای دستکاری افکار عمومی کشور آماج و تغییر ترجیحات، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آنان»

می‌داند.^(۴) کرمی نیز تهدید نرم را «هر گونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای [جامعه هدف] را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری مورد نظر نظام حاکم تعارض دارند» می‌داند.^(۵) از نظر ساندرس تهدید نرم نوعی جنگ سرد است که سرانجام به استحاله فرهنگی جامعه منجر می‌گردد. محققان دیگری نیز تعاریف کمابیش مشابهی در مورد تهدید نرم به دست داده‌اند. براین اساس می‌توان تعریفی برای تهدید نرم بیان کرد: «تهدید نرم عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدامات از پیش اندیشیده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورها که بر نظرات، نگرش‌ها، انگیزش و ارزش‌های مخاطبان آماج (اعم از حکومت‌ها، دولت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای خارجی تأثیر می‌گذارد و در بلندمدت موجب تغییر منش، رفتار و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان می‌گردد» از این تعریف چنین استنباط می‌گردد که:

۱. تهدید نرم یک اقدام عمدی و تدبیر شده است،
۲. تهدید نرم در قلمروهای سه‌گانه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی صورت می‌گیرد،
۳. قصد اصلی تهدید نرم تأثیر نهادن بر نظرات، نگرش‌ها، انگیزش و ارزش‌های مخاطبان است،
۴. آماج تهدید نرم به مردم کشورهای آماج محدود نمی‌شود بلکه دولت‌مردان و گروه‌های مختلف را نیز آماج قرار می‌دهد،
۵. عاملان تهدید نرم در پی آن هستند که در بلندمدت منش و رفتار مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهند. تهدید نرم پدیده‌هایی همچون "اشاعه فرهنگی"، "تهاجم فرهنگی"، "دگرگون‌سازی ترجیحات"، "رفتار سیاسی" و جز آن را نیز دربر می‌گیرد.^(۶)

مبانی نظری تهدیدات نرم

برای تبیین نظری تهدیدات نرم از الگوهای نظری مختلفی استفاده شده است. یکی از آن الگوهای نظری، الگوی فرهنگی وندرلی است. از منظر وندرلی^۱ فرهنگ^۲ عبارت است از مجموعه نظرات، نگرش‌ها، آداب و رسوم، سنت‌ها و رفتارها. از نظر او فرهنگ در گذر تاریخ و بر اثر عوامل متنوعی نظیر عوامل تاریخی، مذهبی، زبان، هویت قومی، حماسه‌ها، افسانه‌ها و جز آن، فرابالیده است و لاجرم هر نوع تغییری در آن، مستلزم درک عمیق هر یک از این عوامل است. به تعبیر روشن‌تر، ایجاد تغییر در عناصر یک فرهنگ مستلزم آگاهی فرهنگی^۳ است. منظور از آگاهی فرهنگی "توانایی تشخیص و درک آثار فرهنگ یک ملت یا قوم بر ارزش‌ها و رفتارهای آنان" است.^(۷) به بیانی دیگر، آگاهی فرهنگی به یک سری اطلاعات و مفاهیمی اطلاق می‌شود که یک

1. Wunderle
2. culture
3. cultural arenas

فرد، یا گروهی از افراد، پیرامون یک فرهنگ کسب می‌کنند. این اطلاعات و مفاهیم به تعمیق شناخت و برداشت آنان از متولیان و حاملان آن فرهنگ، یاری می‌رساند.

از نظر او آگاهی فرهنگی طی یک فرآیند پنج مرحله‌ای شکل می‌گیرد. آن مراحل به شرح زیرند:

۱. کسب داده‌ها^۱. در سلسله‌مراتب شناخت فرهنگی، داده‌ها نازل‌ترین شکل اطلاعات محسوب می‌شوند. داده‌ها پیام‌ها و علائمی هستند که به‌وسیله انسان، و یا ابزارهای مکانیکی و الکترونیکی، از محیط دریافت می‌شوند.

۲. اطلاعات^۲. اطلاعات به داده‌هایی اطلاق می‌شود که برای آگاهی از معنا و مفهوم آنها، مورد پردازش قرار می‌گیرند.

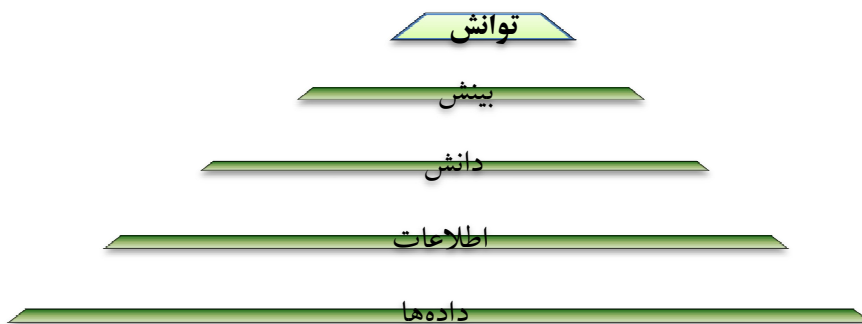
۳. دانش^۳. دانش به اطلاعاتی اطلاق می‌شود که برای دستیابی به معنا و مفهوم عمیق‌تر، برای استفاده عملی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. بینش^۴. بینش حاصل تلفیق دانستنی‌ها و داوری پیرامون آن‌ها در یک موقعیت معین و به‌منظور درک روابط درونی بین آن‌ها، است. بینش فرهنگی نیز به آگاهی عمیق از یک فرهنگ اطلاق می‌شود که موجب آگاهی از فرآیندهای فکری، مؤلفه‌های انگیزشی و سایر عوامل مؤثر بر رفتار می‌شود.

۵. توانش^۵ فرهنگی. توانش فرهنگی عبارت است از تلفیق بینش فرهنگی و فهم فرهنگی که موجب آگاهی نسبت به مقاصد عوامل و گروه‌های خاص می‌شود.^(۸)

مراحل پنج‌گانه آگاهی فرهنگی را می‌توان به‌شرح مندرج در شکل ۱ ترسیم کرد.

شکل ۱: هرم آگاهی فرهنگی



1. Data
2. Information
3. knowledge
4. insight
5. competence

همان گونه که شکل بالا نشان می‌دهد "آگاهی فرهنگی" طی یک فرآیند سلسله‌مراتبی صورت می‌گیرد که در آن هر مرحله مقدمه‌ای ضروری برای مرحله بعدی است.

وندردلی بر این باور است که فرهنگ از سه مؤلفه زیر تشکیل شده است:

۱. عوامل شکل‌دهنده فرهنگ، ۲. متغیرهای فرهنگی، ۳. تجلیات فرهنگی.

منظور از عناصر فرهنگی عوامل شکل‌دهنده فرهنگ است که ویژگی‌هایی نظیر زبان، مذهب و عقاید را دربر می‌گیرد. جامعه‌شناسان (نظیر گیدنز^۱، ۲۰۰۲) و روان‌شناسان اجتماعی (نظیر میرز^۲، ۲۰۰۵) متغیرهای فرهنگی را به سه نوع رفتارها^۳، ارزش‌ها^۴ و شناخت^۵ها تقسیم کرده‌اند.

رفتارها کنش‌های ظاهری و مشهود یک فرهنگ هستند. ارزش‌ها به اصولی گفته می‌شود. که افراد یک فرهنگ برای ارزشیابی گزینه‌ها و نتایج تصمیم‌گیری‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند. شیوه‌های شناخت به راهبردها و فرایندهایی گفته می‌شود که تصمیم‌سازی، ادراک و بازنمایی دانستنی‌های مربوط یک فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، شناخت نوعی فرآیند ذهنی است که مؤلفه‌هایی همچون آگاهی، ادراک، استدلال و شیوه دوری و قضاوت را دربر می‌گیرد.^(۹)

هافستد^۶ با مرور دامنه تأثیرات تهدیدات نرم فرهنگی کشورها در کشورهای دیگر، نشان داده است که اثربخشی آن اقدامات مستلزم درک ژرف چند ارزش خاص است. از نظر او آن ارزش‌ها، که تأثیری عمیق بر کنش‌ها و رفتارهای مردم دارند، عبارتند از:

۱. فردگرایی - جمع‌گرایی؛ ۲. دوری و نزدیکی به قدرت؛ ۳. تردیدگریزی؛ ۴. رابطه‌محوری - کارمحوری؛ ۵. حال‌نگری - آینده‌نگری؛ ۶. پایبندی به آداب و رسوم؛ و ۷. تأثیرپذیری از شرایط. سرانجام، سومین مؤلفه فرهنگی، که متولیان و مجریان تهدیدات نرم فرهنگی آگاهی از آن را ضروری می‌دانند، "تجلیات فرهنگی" است. منظور از تجلیات فرهنگی "رفتارها، الگوی گفتاری و نگرش‌های مشهود یک فرهنگ" است.^(۱۰)

مؤلفه‌ها و عناصر مورد بحث در سطور بالا را می‌توان به شرح مندرج در شکل زیر خلاصه کرد:

1. Gidens
2. Myers
3. behaviors
4. Values
5. cognition

شکل ۲: مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی



همان‌گونه که مفاهیم مندرج در شکل بالا نشان می‌دهد تجلیات فرهنگی (کنش‌ها و...) در متغیرهای فرهنگی (ارزش‌ها، رفتار و شناخت‌ها) ریشه دارند و متغیرهای فرهنگی نیز در موارث فرهنگی ریشه دارند. بنابراین، برای تأثیر نهادن بر تجلیات فرهنگی یک قوم یا ملت، ناگزیر باید بر متغیرها و موارث فرهنگی آن ملت یا قوم تأثیر نهاد.^(۱۱)

اهمیت و ابعاد تهدیدات نرم:

پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. برای یک کشور که هویت فرهنگی آن، مؤلفه اصلی تلقی می‌شود، این امر اهمیت بیشتری خواهد داشت و هر چه این حکومت، مبانی فکری و اعتقادی و الگوهای رفتاری دیگران را به چالش بیشتری کشانده باشد، از تهدیدات بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین، تهدیدات فرهنگی که از آن به تهاجم فرهنگی و یا تهدید نرم یاد می‌شود، به دنبال ایجاد انواع بحران‌های فرهنگی- سیاسی در جامعه برای دستیابی به اهداف و اغراض سیاسی است. هدف اصلی از این نوع تهدید، حذف باورمندی جامعه، سلب اراده و روحیه مقاومت و در مجموع استحاله فرهنگی- سیاسی است. در این نوع تهدید تلاش می‌شود ملتی دارای آرمان به ملت بی‌آرمان تبدیل شود و آن هم به دست خود، الگوهای رفتاری خود را در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به چالش اندازد. هدف از هر نوع تهدید تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف و اراده و سرانجام به تسلیم کشاندن حریف است. بنابراین نقطه مشترک همه تهدیدات، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت‌های تهدیدات، در به‌کارگیری روش‌ها، ابزارها و... است. تهدید می‌تواند با تأکید بر فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سرزمین، نابودی و کشتن انسان‌ها و ویران نمودن مراکز اقتصادی) اجرا شود و یا می‌تواند با تکیه بر روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و با به‌کارگیری قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام گیرد. بی‌تردید اگر فکر، اراده و قدرت روحی

حریف تسخیر شود، کاربرد قدرت سخت و لشکرکشی ضرورتی نخواهد داشت. از همین رو، قدرت‌های استکباری با کاربرد عملیات روانی، مقاومت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی را پیش از عملیات نظامی فرو می‌ریزند یا برای سرعت بخشیدن در اهداف عملیات نظامی، اقتصادی و سیاسی از سلاح عملیات روانی به‌منظور سلب اراده و انگیزه نبرد در نخبگان یک کشور، مردم و نیروهای مسلح بهره می‌گیرند و عملاً خاکریزهای دفاعی کشور بدون خونریزی سقوط می‌کند. بنابراین تهدید نرم، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم‌هزینه‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می‌توان با کمترین هزینه با حذف لشکرکشی و از بین بردن مقاومت‌های فیزیکی به هدف رسید؛ زیرا با عواطف، احساسات، فکر و اندیشه و باور و ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد. ابعاد این جنگ و تهدید، گسترده‌تر و مخرب‌تر است زیرا دین، فکر و آرمان ملت‌ها را آماج تهاجم خود قرار می‌دهد. تهدید نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می‌کند، عزم و اراده ملت را از بین می‌برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست‌های نظام را تضعیف می‌کند. فروپاشی روانی یک ملت می‌تواند مقدمه‌ای برای فروپاشی سیاسی-امنیتی و ساختارهای آن باشد. جوزف نای قدرت نرم را شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می‌داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب چهره دوم قدرت است. بر این پایه یک کشور می‌تواند به مقاصد موردنظر خود در سیاست جهانی نایل آید، چون کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند، از آن تبعیت می‌کنند، تحت‌تأثیر پیشرفت و آزاداندیشی آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم آنچه مهم تلقی می‌شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. بنابراین قدرت نرم، توانایی کسب آنچه که می‌خواهید از طریق جذب کردن، نه از طریق اجبار و یا پاداش می‌باشد.^(۱۲) نمونه‌های فراوانی از کاربرد تهدید نرم، در صفحات تاریخ وجود دارد. در حال حاضر، همه کشورها به نوعی دیگر در معرض این نوع تهدید هستند. قدرت‌های استکباری، تشکیلات، امکانات و نیروی انسانی و ابزارهای پیشرفته و پیچیده و مراکز علمی و پژوهشی خود را به صورت گسترده در اختیار این جنگ قرار داده‌اند. با ظهور فناوری جدید و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط‌جمعی و رسانه‌های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است. بخش قابل توجهی از نظریه‌های جدید امنیتی و راهبردهای قدرت‌های سلطه‌گر، به ویژه راهبرد امنیت ملی امریکا که در سال ۲۰۰۶ میلادی منتشر شده است و همچنین راهبرد امنیت منطقه‌ای امریکا (طرح خاورمیانه بزرگ) بر کاربرد قدرت نرم جهت امنیت‌سازی تأکید دارد. و بسیاری از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهدیدات قرن ۲۱ را تهدیدات نرم و یا جهانی‌سازی فرهنگ می‌دانند. در دوران جنگ سرد و حتی پس از آن با تفاوت اندکی، کماکان سیاست نرم‌افزاری در پرتو سیاست واقع‌گرایی قرار داشت. حوادث ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در این زمینه محسوب می‌شود. در هیچ برهه‌ای از زمان، دولت‌مردان امریکا تا این میزان بر مضامین ارزشی و اخلاقی به عنوان منابع نرم قدرت تأکید نداشته‌اند.

حتی نخستین تجلی‌های سیاست‌های امنیتی امریکا بعد از این تاریخ که از ماهیت سخت‌افزاری و راهبردی برخوردار بودند، آموزه‌های ارزشی محور را دستمایه عملی قرار دادند. با وجود این با توجه به تجربه تاریخی، ملاحظات نرم‌افزارگرایانه در سیاست خارومیانه‌ای امریکا تحت تأثیر مؤلفه‌های راهبردی-امنیتی نظام بین‌المللی و منطقه‌ای به حاشیه رانده شده است. برای تبیین اهمیت و ابعاد تهدید نرم پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، می‌توان گزارش کمیته خطر جاری، راهبرد امنیت ملی امریکا و طرح خاورمیانه بزرگ را مورد توجه قرار داد.

ابعاد و انواع تهدیدات نرم

بسیاری از محققان تهدیدات نرم را به سه بُعد تقسیم کرده‌اند. آن سه نوع عبارتند از: ۱. تهدیدات فرهنگی، ۲. تهدیدات سیاسی، و ۳. تهدیدات اجتماعی.

بُعد فرهنگی. بُعد فرهنگی مهم‌ترین بعد تهدید نرم است. به دلیل آنکه، عاملان تهدید نرم در پی آن هستند تا با بهره‌گیری از سازوکارها و روش‌های فرهنگی بر ارزش‌های بنیادی جامعه (ارزش‌هایی نظیر خدامحوری، دشمن‌ستیزی، عدالت‌خواهی، آزادگی، علم‌گرایی، نوع‌دوستی، و جز آن)، نگرش‌های پایه (نظیر نگرش به بیگانگان، نگرش‌های سیاسی، نگرش به نوع حکومت، نگرش به نوع روابط اجتماعی و جز آن)، ترجیحات اساسی (نظیر ترجیحات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...) آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی، تأثیر بگذارند و آن را دستخوش تغییر قرار دهند.

بُعد سیاسی: دومین بُعد تهدید نرم بُعد سیاسی است. عاملان تهدید نرم در صددند تا نوع نگرش، موضع‌گیری و کنش شهروندان یک جامعه را در برابر حکومت و نهادهای سیاسی آن، "دستکاری" نمایند و آنان را برای دست یازیدن به کنش‌های اعتراض‌آمیز، نظیر، اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات و جز آن، ترغیب کنند. به تعبیر روشن‌تر، عاملان تهدید نرم در پی آن هستند تا شهروندان جامعه را وادار به نافرمانی مدنی و اعتراض‌جویی نمایند تا بر اثر آن رفتار حکومت، یا حتی نوع حکومت را به تدریج دستخوش تغییر قرار دهند.

بُعد اجتماعی. سومین بُعد تهدیدات نرم، بُعد اجتماعی است. عاملان تهدید نرم در پی آن هستند تا بر: هویت مردم جامعه، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی، آمادگی برای تغییر، و اندیشه‌های رایج، تأثیر بگذارند.

اما روان‌شناسان اجتماعی از منظری دیگر به ابعاد و مؤلفه‌های تهدید نرم نگریسته‌اند. برای مثال، بارون و دیگران بر این باورند که تهدیدات غیرفیزیکی مخالفان یک کشور حیطة نظام حاکم، نظام علیه مخالفان

یا گروه‌های مختلف علیه یکدیگر، معطوف ابعاد زیر است:

(۱) بُعد شناختی یا ذهنی. عاملان تهدید با بهره‌گیری از روش‌های مجاب‌سازی، تغییر نگرش‌ها و شست‌وشوی مغزی در پی آن هستند تا نظام شناختی مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهند و افکار، اندیشه‌ها، شیوهٔ خبرپردازی و تغییر و تحلیل اطلاعات آنان را دستخوش تغییر قرار دهند. آنان در این زمینه از روش‌های تغییر ذهن بهره می‌گیرند.

(۲) بُعد عاطفی و هیجانی. عاملان تهدید نرم می‌کوشند تا نظام عاطفی مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهند و اطلاعات ویژه‌ای را به آنان القاء کنند. برای نمونه، آنان می‌کوشند تا نفرت مخاطبان را نسبت به حکومت خویش برانگیزند و عشق و علاقه آنان را معطوف خود سازند.

(۳) بُعد منش‌شناختی. در این بُعد تلاش عاملان تهدید نرم بر آن است تا بر اندیشه و رفتار اخلاقی مخاطبان تأثیر بگذارد و نگرش آنان را به شاخص‌های اخلاقی جامعه دستخوش تغییر قرار دهند.

(۴) بُعد اجتماعی. کنش‌های اجتماعی، روابط و تعامل میان‌فردی، آداب و رسوم و رفتارهای جمعی از جمله مؤلفه‌های بُعد اجتماعی تهدید نرم هستند که آماج تغییر قرار می‌گیرند.

(۵) بُعد معنوی. عاملان تهدید نرم می‌کوشند تا بر باورهای دینی، مناسک دین و ارزش‌های اخلاقی برگرفته از دین، تأثیر بگذارند. آنان می‌کوشند تا برخی باورها را متزلزل و باورهای جدیدی را بر جای آن بنشانند. از همین روی است که ترویج گروه‌های مذهبی نوآیین (خرافی) از جمله روش‌های تهدید نرم تلقی می‌شود.

ایجاد تهدیدات نرم را می‌توان به شرح مندرج در جدول زیر خلاصه کرد: (۱۳)

جدول ۳: ابعاد تهدیدات نرم

نوع رویکرد	ابعاد
سیاسی - فرهنگی	اجتماعی: تغییر ساخت‌ها و کنش‌های اجتماعی فرهنگی: تغییر در ارزش‌ها، هنجارها، باورها و نگرش‌های پایه سیاسی: تغییر در ترجیحات، جهت‌گیری‌ها و کنش‌های سیاسی - حکومتی
روان‌شناسی اجتماعی	شناختی: تغییر در نظام ذهنی و اندیشه عاطفی: القای احساسات و هیجانات خاص اجتماعی: تغییر در تعاملات و کنش‌های عمومی منش‌شناختی: تغییر در رفتارها و اندیشه‌های اخلاقی معنوی: تغییر در عقاید، مناسک و اخلاقیات دینی

اهداف تهدیدات

ساندرس و میچل مهم‌ترین اهداف تهدیدات نرم را به شرح زیر برشمرده‌اند:

(۱) تغییر ایدئولوژی حاکم.

(۲) کاهش مشارکت سیاسی مردم با القای ناکارآمدی حکومت.

(۳) تغییر هویت دینی و ملی شهروندان با تخریب پیشینه تاریخی آنان.

(۴) دستکاری افکار عمومی در جهت خواسته‌های خود و علیه نظام حاکم.

(۵) کاهش انسجام اجتماعی.

(۶) تغییر انسجام سیاسی حاکم.

(۷) تغییر ارزش‌های جامعه و ایجاد استحاله فرهنگی.

(۸) ایجاد فرهنگ جدید.

(۹) تغییر الگوی سیاسی حاکم.

(۱۰) تشدید و تقویت واگرایی قومی.

آماج‌های تهدیدات نرم ملتون و دیگران بر این باورند که آماج‌های اصلی تغییرات بنیادی در یک جامعه، روشن‌فکران و تحصیل‌کردگان آن جامعه هستند. آنها در تأیید ادعای خویش از اصول نظریه "ارتباطات دو مرحله‌ای" یاد می‌کنند. در این نظریه باور بر آن است که حکومت‌ها و نهادهای سیاسی با بهره‌گیری از رسانه‌ها بر افراد تحصیل کرده و روشن‌فکر جامعه تأثیر می‌گذارند و آنان نیز با تبلیغات، روشن‌گری، آموزش و جز آن بر توده‌های مردم تأثیر می‌گذارند و از آن طریق موجب شکل‌گیری افکار عمومی جامعه می‌شوند.^(۱۴) چنین ادعایی مورد تأیید بروس و اولدنیک نیز قرار گرفته است. آن دو نشان داده‌اند که جامعه دارای دو نوع افکار عمومی است: افکار عمومی نخبگان و افکار عمومی توده. به‌زعم آنان، افکار عمومی نخبگان سریع‌تر از افکار عمومی جامعه شکل می‌گیرد. به همین سبب، نهادهای سیاسی و عاملان و کارگزاران دستکاری نگرش‌های سیاسی، بیش از هر چیز در پی شکل‌دهی به افکار عمومی این گروه هستند.

از منظر "گستره تأثیرپذیری" نیز می‌توان آماج‌های تهدیدات نرم (به‌ویژه نوع فرهنگی آن را) مطمح‌نظر قرار داد. واگود از این منظر افراد جامعه را به پنج گروه تقسیم می‌کند:

۱. بدعت‌گزارها،
۲. زودپذیرها،
۳. اکثریت زودباورها،
۴. اکثریت دیرباورها،
۵. ناباورها.

رفیع‌پور (۱۳۸۷) آن پنج گروه را به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌کند.

افراد جامعه از حیث تأثیرپذیری

۱- نوآورها. کسانی هستند که یک پدیده را وارد جامعه می‌کنند. اینان (عموماً، اما نه همیشه) افرادی با وضعیت اقتصادی و آموزش بهتر، یعنی از قشر بالای هر جامعه‌ای می‌باشند، بالاخص در مورد پدیده‌هایی که برای آنها پرستیژ و بهبود موقعیت به همراه دارد.

۲- زودپذیرها. کسانی هستند که از نظر شرایط نزدیک به نوآورها هستند و می‌توانند خود را تا حدودی با آنها مقایسه کنند. اینان نیز در پی کسب احترام می‌باشند.

۳- اکثریت زودباور. عده‌ به نسبت زیاد از اعضاء یک گروه یا یک جامعه هستند که پدیده جدید را تشخیص می‌دهند و به نسبت زود از آن پیروی می‌کنند.

۴- اکثریت دیرباور. افرادی هستند شکاک که به نسبت دیرباوراند. آنها نسبت به پذیرش هنجارهای جدید تأمل می‌کنند و به کندی جلو می‌روند اما آنها نیز با تأخیر هنجار جدید را می‌پذیرند و به عمل می‌کنند.

۵. دیرپذیرها. افرادی هستند پایبند به سنت قدیمی خود که به سختی مایلند از آن دست بردارند و به روش‌ها و هنجارهای جدید روی می‌آورند.

رفیع‌پور و میرز مراحل تحت تأثیر قرار گرفتن افراد جامعه را در برابر تبلیغات و تغییرات فرهنگی (و تهدید نرم) به شرح زیر برمی‌شمارند:

۱) مرحله آگاه شدن از وجود یک پدیده، نظر یا پیام،

۲) مرحله علاقمند شدن به پدیده یا پیام،

۳) مرحله ارزشیابی پدیده،

۴) مرحله آزمایش و بررسی، و

۵) مرحله تغییر رفتار.

به‌زعم ارونسون و پراتکانیس (۲۰۰۳) افراد روشنفکر زودتر از سایر افراد جامعه در برابر پدیده‌های فرهنگی این مراحل را طی می‌کنند و رفتار خویش را تغییر می‌دهند.

می‌توان نتیجه گرفت که عاملان تهدیدات نرم، همه‌ افراد و گروه‌های جامعه آماج را مخاطب قرار می‌دهند. لیکن، برای هر یک از گروه‌های مخاطب، از ابزارها و شیوه‌های مختلفی بهره می‌گیرند.

روش‌ها و ابزارهای تهدید نرم

۱. استفاده از فنون رسانه‌ای. تکنیک‌های رسانه‌ای از جمله مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده عاملان تهدیدات نرم است. امروزه ردپای رسانه‌ها، اعم از رسانه‌های دیداری (تلویزیون، فیلم، انیمیشن و...) شنیداری (راديو، لوح‌های فشرده صوتی، نوار کاست و...)، نوشتاری (روزنامه، مجله، اعلامیه، بیانیه، بروشور)، چندگانه (اینترنت و...) را می‌توان در زندگی تمامی مردم جوامع نشان کرد. (زلمن، ۲۰۰۶) به همین سبب، عاملان و متولیان اشاعه فرهنگی، عملیات روانی و قدرت و تهدیدات نرم از رسانه‌ها به

منزله ابزارهایی استفاده می‌کنند که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان:

- اذهان مخاطبان را دستکاری کرد،
 - نگرش‌های نوینی در اذهان آنان شکل داد،
 - نظرات و نگرش‌های پیشین آنان را تغییر داد،
 - ارزش‌های نوینی در اذهان آنان کاشت،
 - به رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان جهت داد.
- عاملان تهدید نرم برای این منظور از تکنیک‌های رسانه‌ای زیر استفاده می‌کنند:
- اسم‌گذاری. منظور از اسم‌گذاری (یا نام‌گذاری) برچسب بد یا خوب زدن به یک فکر، پدیده، عقیده یا کشور است. استفاده از واژه "محور شرارت" برای معرفی چند کشور به عنوان نماد شرارت توسط بوش، نوعی نام‌گذاری است.
 - اتهام‌زنی. منظور از این تکنیک آن است که جرائم بزرگی به یک گروه یا کشور انتساب داده شود. حامی تروریسم معرفی کردن ایران از جمله اتهام‌زنی‌های مستمر امریکا است که رسانه‌های آن کشور آن را اشاعه می‌دهند.
 - تلطیف و تنویر. تلطیف یا تنویر بر عکس اتهام‌زنی است. در این تکنیک فضیلتی به کشور یا گروه‌های خاص انتساب داده می‌شود. امریکایی‌ها خود را "مولد دموکراسی"، "حامی حقوق بشر"، "نماد پیشرفت" و جز آن معرفی می‌نمایند.
 - انتقال. انتقال یعنی اینکه اقتدار، حرمت و منزلت امری مورد احترام به چیز دیگری، برای قابل قبول کردن آن منتقل شود. (۱۵) اما انتقال تنها در مورد انتساب صفات مثبت از فردی، با پدیده‌ای، به فرد یا پدیده دیگر استفاده نمی‌شود، بلکه از آن برای انتساب صفات منفی نیز استفاده می‌شود.
 - گواهی. منظور از گواهی استفاده از افراد مقبول (نظیر متخصصان و کارشناسان) برای تبلیغ له یا علیه یک گروه، شخص یا پدیده است. مقبولیت آن فرد موجب می‌شود تا مخاطبان نظر یا پدیده او را سهل‌تر بپذیرند. چه، براساس تئوری هایدگر، وقتی مردم آورنده یا ارائه‌دهنده یک پیام، ارزش یا عقیده را دوست داشته باشند به آن پدیده نیز علاقه پیدا می‌کنند. (۱۶)
 - شیوه مردم عادی. در این شیوه منبع پیام (عامل تهدید نرم) می‌کوشد مخاطب خود را متقاعد سازد که افکار وی مطلوب و جالب است چون "افکار مردم عادی" است. (۱۷)
 - مغالطه. مغالطه شامل گزینش و استفاده از اظهارات درست و نادرست، مشروع یا مغشوش و منطقی یا غیرمنطقی است. هدف عاملان تهدید نرم در استفاده از این تکنیک آن است که فرد، پدیده یا گروهی را در نزد افکار عمومی تخریب کنند.
 - هم‌رنگی با جماعت. در این تکنیک به مخاطبان القاء می‌شود که همه مردم یا اغلب آنان با نظر و عقیده خاصی موافق هستند و یا رفتاری معین را انجام می‌دهند. (میرز، ۲۰۰۳) استفاده از این تکنیک

موجب افزایش احساس فشار هنجاری در مخاطبان تبلیغاتچی می‌شود و آنان برای در اقلیت نماندن با آن عقیده موافقت یا مبادرت به انجام رفتار تبلیغ شده می‌نمایند.

- توسل به طنز. توسل به طنز و شوخی از جمله روش‌های رایج برای مجاب کردن مخاطبان است.^(۱۸)
- تکرار. عاملان تهدید نرم برای مجاب‌سازی مخاطبان پیام‌های تبلیغی خود را بارها تکرار می‌کنند. این اقدام موجب می‌شود تا نخست؛ همه مخاطبان در معرض پیام قرار گیرند، دوم؛ اغلب مخاطبان پیام را واقعی تلقی کنند و در برابر آن تسلیم شوند.

- برجسته‌سازی. «برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که در رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوعاتی را که عامه راجع به آن‌ها فکر می‌کنند، تبیین می‌نمایند»^(۱۹) استفاده از این تکنیک موجب می‌شود تا مخاطبان موضوع کم‌اهمیتی را پُر اهمیت تلقی کنند. همچنین، رسانه‌ها با بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی برخی خواسته‌ها می‌توانند نیازهای جدیدی را فراسوی مخاطبان قرار دهند و آنان را برای برآوردن آن نیازها ترغیب به دست یازیدن به کنش‌های مخالفت‌جویانه نمایند.

استفاده از سازوکارهای علمی. برند^۱ (۲۰۰۵) با بررسی برخی متون آموزشی، که از سوی دنیای غرب راهی کشورهای دیگر می‌شود، نشان داده است که بسیاری از ارزش‌های امریکایی از طریق آن متون انتقال می‌یابد. کریمی (۱۳۷۴) نیز در نوشتاری تحت عنوان «عملیات روانی غرب علیه ایران» نشان داده است که بخش معتناهی از آن عملیات از طریق کتاب‌های علمی و دانشگاهی صورت می‌گیرد. آن کشورها در قالب مثال‌ها، شواهد و مجاب‌سازی پیرامونی، به تخریب نهادها و سازمان‌های سیاسی و انقلابی کشور می‌پردازند.

متون آموزشی زبان نیز از جمله روش‌های افزایش قدرت نرم کشور عامل و تحمیل تهدید بر کشور آماج است. راقم این سطور با بررسی برخی متون آموزشی زبان مؤسسات مشهور کشور دریافت که در آن متون بسیاری از مفاهیم، ارزش‌ها و هنجارهای جوامع غربی، به عنوان تنها مفاهیم و ارزش‌های مقبول و جهان‌شمول، به فراگیران کشور آموزش داده می‌شوند.

برجسته‌سازی برخی متخصصان ایرانی مخالف نظام و اهدای جوایز به آنان در جشنواره‌ها و همایش‌های علمی نیز از جمله سازوکارهای تهدید نرم محسوب می‌شود.

فرهنگ‌پذیری:

منظور از فرهنگ‌پذیری انتقال عناصر فرهنگی یک کشور به کشور دیگر از طریق ابزاری است که به آن کشورها ارسال می‌نمایند.^(۲۰) بسیاری از کسانی که از کشورهای جهان سوم برای تحصیل، تفریح، گردشگری، شرکت در همایش‌ها، ورزش، تجارت و جز آن به امریکا و اروپا سفر می‌کنند در بازگشت برخی عناصر آن فرهنگ‌ها را به کشور خویش منتقل می‌سازند و به ابزاری برای تبلیغ ارزش‌های آن کشورها تبدیل می‌شوند. شاید به همین سبب است که جوزف نای (۲۰۰۶) از حضور دانشجویان و

متخصصان کشورهای دیگر در امریکا؛ به عنوان یکی از عوامل افزایش‌دهنده قدرت نرم آن کشور یاد می‌کند.

اشاعه فرهنگی: منظور از اشاعه فرهنگی رواج و شیوع عناصر و ارزش‌های یک فرهنگ در یک فرهنگ دیگر است.^(۲۱) این پدیده چنانچه به صورت آگاهانه از پیش اندیشیده شده صورت گیرد، به تهاجم فرهنگ تبدیل می‌شود. در تهاجم فرهنگی، متولیان یک فرهنگ با استفاده از روش‌های مختلف (رایانه‌ای؛ هنری، علمی و...) ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه را مورد آماج قرار می‌دهند و در صدد کاشت ارزش‌های خود در آن جامعه برمی‌آیند. فستیوال‌ها و جشنواره‌های هنری، شناسایی هنرمندان برجسته یک جامعه و فراخوانی آن‌ها به جشنواره‌های هنری کشور خویش، از جمله روش‌های اثربخش برای تأثیر نهادن بر آنها و ایجاد جهت‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی مبتنی بر هنجارهای جامعه غرب، در آنان است. امریکا برای این منظور سالیانه مبادرت به برگزاری ده‌ها جشنواره هنری می‌نماید و از این طریق هزاران هنرمند را از کشورهای مختلف دنیا، به‌ویژه کشورهای آماج، به کشور خود دعوت می‌نماید و با بهره‌گیری از رسانه‌های خویش آن‌ها را به عنوان الگوهای برتر هنری به کشورهايشان معرفی می‌کند.

روش‌های مقابله با تهدیدات نرم

با بهره‌گیری از سازوکارهای مختلف، هم می‌توان از اعمال تهدیدات نرم پیشگیری کرد و هم می‌توان با مداخله‌های مؤثر، دامنه تأثیرات آنها را از میان راند. برخی از آن روش‌ها عبارتند از:

۱. واکسیناسیون فرهنگی جامعه، منظور از واکسیناسیون آگاه ساختن جامعه از انواع تهدیدات دشمن و ارائه راه حل مقابله با آن به آنان است. (میرز، ۲۰۰۳) شواهد پژوهشی متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد واکسیناسیون فرهنگی مانع از تغییر نگرش‌ها و اشاعه فرهنگی ارزش‌های رقیب در جامعه می‌شود. به تعبیر روشن‌تر، "پیش‌آگهی"، افراد را در مقابل تغییر باورها و نگرش‌ها مصون و مقاوم می‌سازد.

۲. تقویت بدیل‌های قدرت نرم. هر کشوری دارای برخی منابع قدرت نرم است که با شناسایی و تقویت آنها می‌تواند خود را در برابر دشمن مقاوم سازد (نای، ۲۰۰۶). برای مثال در ایران "معنویت"، "ایدئولوژی اسلامی"، "تعداد زیاد بسیجیان"، "پیشینه فرهنگی و تاریخی طولانی"، "حماسه آفرینی‌ها"، "مرجعیت"، "نوع نظام مردم‌سالار دینی"، "نفوذ رهبری" و جز آن می‌توانند به منابع قدرت نرم تبدیل شود.

۳. عملیات روانی متقابل. عاملان تهدید نرم از تبلیغات، فنون مجاب‌سازی، روش‌های نفوذ اجتماعی و عملیات روانی به منزله روش‌های تغییر نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های جامعه هدف، استفاده می‌کنند. (ساندرز، ۲۰۰۷) شواهدی وجود دارد (برای مثال فریدمن، ۲۰۰۳) که نشان می‌دهد با عملیات روانی و

تبلیغات خلاقانه متقابل می‌توان از دامنه تأثیر روش‌های مورد استفاده دشمن کاست.

۴. گسترش دامنه و شمول فعالیت‌های فرهنگی و افزایش فرآورده‌های فرهنگی جذاب. شهروندان یک جامعه اغلب جذب آن دسته از گروه‌های فرهنگی می‌شوند که از نظر آنان از جذابیت بالایی برخوردار باشند. همچنین آنان آن دسته از محصولات فرهنگی را مورد استفاده قرار می‌دهند که جالب، جذاب، بدیع و مطبوع باشد.^(۳۲) بنابراین با ایجاد و گسترش گروه‌های فرهنگی جذاب و عرضه فرآورده‌های فرهنگی و هنری مطلوب، می‌توان از دامنه تأثیر تهدیدات نرم دشمن فرو کاست.

۵. خلق سلاح روانی اپوزیسیون. اپوزیسیون همواره در پی آن است تا با شعارهای جذاب و وعده بهبود شرایط زندگی، توده مردم جامعه را جذب نماید. پیداست که وقتی نظام حاکم خود چنین شرایطی را برای شهروندانش فراهم سازد، زمینه جذب مردم توسط اپوزیسیون را از میان می‌راند.

۶. استفاده از راهبردهای ویژه در مورد اقوام و اقلیت‌ها. اقلیت‌های جامعه اغلب به سبب داشتن احساس نابرابری، مستعد مخالفت‌ورزی علیه نظام حاکم هستند.^(۳۳) اما زمانی که نظام حاکم با اجرای راهبردهای مناسب آن احساس را از میان براند، می‌تواند از آن‌ها به عنوان فرصتی جهت تقویت خود استفاده نماید.

۷. استفاده از دیپلماسی عمومی فعال. دیپلماسی عمومی یکی از منابع نیرومند است (نای، ۲۰۰۴) به همین سبب کشوری که از عناصر سه‌گانه آن به درستی و به موقع استفاده کند از یک سو می‌تواند قدرت نرم خود را تقویت کند و از سوی دیگر بر توانایی خود جهت مقابله با تهدیدات نرم دشمن، بیفزاید.

۸. تبدیل قدرت نرم دشمن به فرصتی برای افزایش قدرت نرم خود. حکومت‌ها با اتخاذ راهبرد مناسب و تدابیر خردمندانه و دقیق نه تنها می‌توانند از تبدیل شدن قدرت نرم دشمن به تهدید برای خود ممانعت کنند، بلکه می‌توانند آن را به فرصتی برای رشد و تعالی خویش تبدیل نمایند.

نتیجه‌گیری

امروزه در گفتمان‌های رایج بین بسیاری از اندیشمندان قلمروهای مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، این گزاره که «با افزایش قدرت نرم خود و بهره‌گیری و اعمال روشمند تهدیدات نرم، سهل‌تر و سریع‌تر از اعمال قدرت سخت و حتی نیمه‌سخت می‌توان اراده خویش را بر ملت‌ها و دولت‌های آماج تحمیل کرد»، چنین گزاره‌ای به موضوعی بدیهی و بی‌نیاز از استدلال و حجت تبدیل شده است. در دو دهه گذشته، شواهد متنوع و متعددی به‌دست داده شده است که آشکار می‌سازد با بهره‌گیری از فرآیندهایی نظیر اشاعه فرهنگی، فرهنگ‌پذیری، عملیات رسانه‌ای، نفوذ اجتماعی و آموزش‌های تلویحی می‌توان اذهان مخاطبان را دستکاری و نگرش‌ها، ترجیحات، سبک زندگی و نظام باورهای آنان را به‌تدریج بی‌آنکه خود بدانند، دست‌خوش تغییر ساخت. پیداست که چنین تغییری در مردم کشورهای آماج، نه تنها موجب تحول فکری و ارتقای تراز خردمندی و گشودگی ذهنی و ارتقای منش و کاراکنر آنان نمی‌گردد بلکه «آشفته‌گی و بحران هویت» آنان را نیز به همراه دارد و توانش و ظرفیت پدیدآیی و استمرار کنش‌های

بحران‌زا را فراهم می‌سازد. به همین سبب، مداخله مؤثر و سریع در این پدیده مخرب و نامطلوب نوین برای همه کشورهای آماج ضروری می‌نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. کاولتی، میریام دان (۱۳۸۹) سیاست‌های تهدید و امنیت سایبری (تلاش‌های آمریکا برای امنیت عصر اطلاعات، مترجم محبوبه بیا، **نشر**: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، چاپ اول، ص ۱۹
۲. کاولتی، میریام دان (۱۳۸۹) سیاست‌های تهدید و امنیت سایبری (تلاش‌های آمریکا برای امنیت عصر اطلاعات، مترجم محبوبه بیا، **نشر**: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی ، چاپ اول، ص ۲۲-۲۰
- 3- Fazio, R. (2007); Social changes and population. The journal of social science, 19, 141-150
۴. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم ، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). ص ۱۹
۵. کرمی، مسعود (۱۳۸۷). قابلیت‌های بسیج و سرمایه اجتماعی؛ مجموعه مقالات قدرت نرم، جلد دوم؛ پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج. ص ۳
۶. الیاسی، محمد حسین، (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر: ماهیت، ابعاد و مبانی تهدیدات نرم، مجموعه مقالات قدرت نرم جلد اول. پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج. ص ۳۵
7. Vanderl, R. (2005); Culture and culture change. Boston: MCGraw-Hill/110 .
8. Vanderl, R. (2005); Culture and culture change. Boston: MCGraw- Hill /112-115
9. Vanderl, R. (2005); Culture and culture change. Boston: MCGraw-Hill/113
10. Vanderl, R. (2005); Culture and culture change. Boston: MCGraw-Hill/114
۱۱. الیاسی، محمد حسین، (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر: ماهیت، ابعاد و مبانی تهدیدات نرم ، مجموعه مقالات قدرت نرم جلد اول. پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج. ص ۳۶
۱۲. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). ص ۲۱
۱۳. الیاسی، محمد حسین، (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر: ماهیت، ابعاد و مبانی تهدیدات نرم، مجموعه مقالات قدرت نرم جلد اول. پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج. ص ۳۷
14. Myers, D.G. (2004); Social psychology. Boston: MCGraw-Hill/2051
۱۵. سورین و جیمز تانکارد (۱۳۸۴)؛ نظریه‌های محورهای ارتباطات ، ترجمه: دکتر علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم. ص ۱۶۲

۱۶. کریمی، یوسف (۱۳۷۴). عملیات روانی غرب علیه ایران. فصلنامه سیاست دفاعی شماره ۴. ص ۲۱
۱۷. سورین و جیمز تانکارد (۱۳۸۴): نظریه‌های محورهای ارتباطات، ترجمه: دکتر علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم. ص ۱۶۲
18. Melton, w. etal. (2005); Communication and elites. The journal of social and personality psychology, 33. 401-413.
۱۹. سورین و جیمز تانکارد (۱۳۸۴): نظریه‌های محورهای ارتباطات، ترجمه: دکتر علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم. ص ۲۲۶